

بررسی و مقایسه نگرش عاطفی مادران کودکان ناشنوا

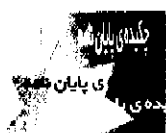
و کم توان ذهنی نسبت به فرزندان معلولشان

در مدارس استثنایی شهر تهران در سال تحصیلی

۱۳۷۰-۷۱



نویسنده: مجید قدمی





اهداف:

مهمترین اهدافی که پژوهش حاضر بدنبال آن است

عبارتند از:

۱- بررسی تفاوت نگرش عاطفی مادران کودکان

ناشنوا و عقب مانده ذهنی نسبت به فرزند معلولشان.

۲- بررسی تفاوت میزان پذیرش مادران کودکان

ناشنوا و عقب مانده ذهنی نسبت به فرزند معلولشان.

۳- بررسی تفاوت میزان ابراز محبت مادران کودکان

ناشنوا و عقب مانده ذهنی نسبت به فرزند معلولشان.

۴- بررسی تفاوت میزان اعطای آزادی از سوی

مادران کودکان ناشنوا و عقب مانده ذهنی نسبت به

فرزند معلولشان.

۵- بررسی تفاوت میزان طرد فرزند معلول از سوی

مادران کودکان ناشنوا و عقب مانده ذهنی.

۶- فراهم سازی آگاهی برای مشاوران و برنامه ریزان

آموزشی و درسی در زمینه تأثیر معلولیت فرزندان

بر روابط عاطفی مادرانشان.

۷- فراهم سازی آگاهی برای مشاوران در مورد امکان

تفاوت تأثیر نوع معلولیت فرزند بر نگرش عاطفی

مادر به منظور تنظیم روابط متناسب با ایشان.

فرضیه‌های ویژه‌ی پژوهش حاضر شامل تفاوت

در نگرش‌های عاطفی ذیل می‌باشد:

۱- مادران کودکان ناشنوا همانند مادران کودکان

عقب مانده ذهنی فرزند معلولشان را می‌پذیرند.

۲- مادران کودکان ناشنوا در مقایسه با مادران

کودکان عقب مانده ذهنی به فرزند معلولشان آزادی

بیشتری می‌دهند.

۳- مادران کودکان ناشنوا در مقایسه با مادران

کودکان عقب مانده ذهنی به فرزند معلولشان محبت

بیشتری می‌کنند.

۴- مادران کودکان عقب مانده ذهنی در مقایسه با

مادران کودکان ناشنوا فرزند معلولشان را بیشتر طرد

می‌کنند.

۵- مادران کودکان ناشنوا و مادران کودکان

عقب مانده ذهنی نگرش عاطفی متفاوتی نسبت به

فرزندان معلولشان دارند.

روش:

جامعه آماری این پژوهش را مادران دانش آموزان

ناشنوا و عقب مانده ذهنی مدارس ابتدایی استثنایی

شهر تهران تشکیل می‌دهند گروه‌های نمونه از بین

مدارس مذکور با رعایت اصول نمونه‌گیری انتخاب

و به دو گروه ۳۰ نفری (جمعاً ۶۰ نفر) تحت عنوان

گروه مادران کودکان عقب مانده ذهنی و گروه مادران

کودکان ناشنوا تقسیم گردیدند.

در این پژوهش ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه

است که حاوی ۴۸ سؤال می‌باشد تقسیم‌بندی ۴ گانه



سؤالات پرسشنامه به منظور سنجش ۴ خصیصه یا نگرش عاطفی یعنی میزان پذیرش، طرد، اعطای آزادی و ابراز محبت به کودک از سوی مادر انجام گرفته است. بدین صورت که هر ۱۲ سؤال آن برای سنجیدن یک خصیصه به کار رفته است. در تنظیم پاسخ‌های پرسشنامه الگوی لیکرت مد نظر قرار داده شده است. و جمع بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در این بررسی علاوه بر تکنیکهای آمار توصیفی از آزمون t برای دو گروه مستقل استفاده شده است.

کلی نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که نگرش مادران کودکان ناشنوا و عقب مانده ذهنی نسبت به فرزندان معلولشان مشابه یکدیگر بوده و تفاوت معلولیت فرزندان، تفاوت نگرش مادران را در مورد ایشان بدنبال نداشته است.

پیشنهادها:

پیشنهادهای پژوهشی:

۱- مقایسه نگرش عاطفی مادران کودکان ناشنوا و نابینا نسبت به فرزندان معلولشان.

۲- مقایسه نگرش عاطفی مادران کودکان نابینا و عقب مانده ذهنی نسبت به فرزندان معلولشان.

۳- مقایسه نگرش عاطفی مادران کودکان سالم با مادران کودکان معلول نسبت به فرزندان معلولشان.

۴- مقایسه نگرشی عاطفی مادران در خصوص فرزند معلول و فرزند سالم او.

۵- مقایسه نگرش عاطفی مادرانی با چند کودک معلول نسبت به نگرش عاطفی مادرانی با یک کودک معلول در مورد فرزند معلولشان.

پیشنهادهای اجرایی:

۱- در قالب محتوای درسی کتب دانش آموزان عادی اطلاعاتی در زمینه نحوه برخورد با کودکان معلول در اختیار آنان قرار گیرد.

نتایج:

نتایج این پژوهش نشان داده است که گروه‌های نمونه در ویژگیهای فوق الذکر هیچ تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشته و از نگرش مشابهی نسبت به کودکان معلولشان برخوردار هستند.

در مورد میزان پذیرش، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که مادران کودکان عقب مانده ذهنی و مادران کودکان ناشنوا تفاوتی با یکدیگر نداشته و لذا اولین فرضیه پژوهش مورد تایید قرار گرفت. در مورد مقایسه میزان ابراز محبت، اعطای آزادی به کودکان معلول و مساله طرد آنها توسط مادرانشان نیز نتایج حاصله بیانگر عدم تفاوت بین دو گروه مادران با یکدیگر بوده است لذا فرضیه‌های دوم تا چهارم پژوهش در سطح $t = 0.5$ مورد تایید واقع نشد بطور



۲- برنامه‌های مشاوران و مددکاران مدارس استثنایی به شکلی تنظیم گردد که بطور ثابت ماهانه با خانواده‌ی معلولین دیدارهایی به عمل آمده مشکلات خاص کودک معلول در فضای منزل مورد ارزیابی متخصصین قرار گرفته و آموزش‌های لازم در اختیار والدین قرار گیرد.



۳- برنامه‌ریزان آموزش و پرورش استثنایی نسبت به تشکیل کلاسهای مستمر آموزش خانواده در مدارس استثنایی جهت افزایش آگاهی والدین کودکان معلول اقداماتی انجام دهند.



۴- برنامه‌ریزان آموزش و پرورش استثنایی در تنظیم برنامه‌ها به گونه‌ای عمل نمایند که والدین کودکان معلول در ارتباط تنگاتنگ با مدارس فرزندان‌شان قرار گیرند.

۵- برنامه‌ریزان آموزش و پرورش استثنایی نسبت به برگزاری کلاسهای ضمن خدمت اقدام نمایند.

۶- برنامه‌ریزان با تشکیل کمیته‌های تحقیقاتی در جهت شناخت هر چه بیشتر خانواده معلولین همت گماشته و نسبت به تدوین برنامه‌های آموزش جهت سالم‌سازی بهداشتی روانی خانواده معلولین اقدام نمایند.